

## آشنایی با نظام قضایی آلمان

ا توجه به اینکه سیستم حکومتی آلمان به صورت فدرالی است، نظام قضایی آلمان را هم

باید در پرتو آن نظام، مورد توجه قرار داد. براین اساس، محاکم آلمان را در ۲ سطح

فدرالی و ایالتی می توان در نظر گرفت.

### ۱- محاکم در ایالت های آلمان

در ایالت آلمان، محاکم بر حسب موضوعات تحت صلاحیت آنها، به ۵ دسته تقسیم

می گردند که عبارتند از: دادگاه های عادی، دادگاه های کار، دادگاه های اداری،

دادگاه های مالی و دادگاه های اجتماعی.

### الف ( Ordinary Courts) دادگاه های عادی

دادگاه های عادی، خود دارای تقسیم بندی هایی نیز می باشند و در مجموع از صلاحیت

رسیدگی به امور کیفری و مدنی برخوردار هستند. در واقع دادگاه های عادی به ۳ سطح

مختلف که عبارتند از دادگاه های محلی، دادگاه های منطقه ای و دادگاه های عالی منطقه ای

تقسیم می شوند.

### ۱- دادگاه های محلی (بخش)

در هر ناحیه یک دادگاه محلی وجود دارد که در رابطه با امور مدنی، دعاوی در این دادگاهها قابل طرح هستند که میزان خواسته آنها متجاوز از ۳ هزار مارک نباشد. در رابطه با امور کیفری نیز، این دادگاهها صالح به رسیدگی به موارد جنحه و خلاف مانند؛ شهادت

نادرست، فحشا، قماربازی، رانندگی در حال مستی، داخل شدن بدون اجازه به منازل و ... می باشند. همچنین دعاوی مربوط به ثبت شرکتها، رسیدگی به ورشکستگی و امور خانوادگی (به جز طلاق) نیز در صلاحیت این دادگاههاست.

از نظر تشکیلاتی، این دادگاهها دارای یک قاضی می باشند و در موارد کیفری و در جرایمی که حداکثر مجازات آنها ۳ سال حبس است، علاوه بر قاضی ۲ نفر نیز به عنوان اعضای هیأت داورى در دادگاه شرکت می کنند.

## ۲- دادگاههای منطقه‌ای (شهرستان)

دادگاههای منطقه‌ای مدنی به آن دسته از دعاوی که خواسته مالی آنها بیش از ۳ هزار مارک است، رسیدگی می کنند و امور کیفری و جزایی غیراز جنحه و خلاف همانند؛ سرقت، قتل، آدم ربایی، ضرب و شتم و تجاوز به عنف نیز در صلاحیت دادگاههای منطقه‌ای کیفری است که برحسب نوع جرایم متشکل از یک یا ۳ قاضی به همراه یک هیأت ۲ نفری است. دادگاههای منطقه‌ای مرجع تجدیدنظر دادگاههای محلی نیز به شمار می آیند.

### ۳- دادگاه عالی منطقه‌ای (دادگاه تجدیدنظر)

این دادگاه در هر ایالت، مرجع استیناف آرای محاکم منطقه‌ای می‌باشد و البته در مورد مسائل کیفری دارای صلاحیت محدودی است. در عین حال برای رسیدگی به مسائل جاسوسی و افشای اسرار مهم دولتی، این دادگاه به عنوان دادگاه بدوی رسیدگی کننده به موضوع محسوب می‌شود. این دادگاه در هر ایالت دارای یک یا چند شعبه است که در امور کیفری بر حسب مورد از ۳ تا ۵ قاضی، و در امور مدنی از ۳ قاضی تشکیل می‌گردد.

### ب) دادگاه‌های کار

صلاحیت این دادگاه‌ها رسیدگی به مسائل مرتبط با حقوق کار است و در ایالت‌ها به ۲ دسته محلی و منطقه‌ای تقسیم می‌گردند و دادگاه‌های دسته دوم مرجع استیناف آرای دادگاه‌های کار محلی می‌باشند.

### ج) دادگاه‌های اداری

این دادگاه‌ها به تمام مسائل اداری (امور عمومی) به استثنای مسائل اجتماعی و مالی یا اختلاف قانون اساسی رسیدگی می‌کنند و به ۲ دسته دادگاه‌های محلی و منطقه‌ای تقسیم می‌گردند و هر فرد محق است در مواردی که اقدامات دستگاه‌های دولتی مغایر با قوانین

باشد و یا در موارد سوء استفاده از قدرت و نقض حقوق مدنی افراد، به طرح شکایت و اقامه دعوی در محاکم اداری پردازد.

در دادگاه اداری، حتی مسائلی چون اعتراض به عدم قبولی در دوره یا کلاس درسی، خودداری از دادن پروانه ساختمان و محروم ساختن از گواهینامه رانندگی قابل طرح می باشد.

### **(د) دادگاه های مالی**

این دادگاه ها به تمام مسائل مالیاتی و امور مربوط به آن رسیدگی می کنند و در هر ایالت به ۲ دسته دادگاه های محلی و منطقه ای تقسیم می گردند.

### **(ه) دادگاه های اجتماعی**

این دادگاه ها نیز در ایالات، به ۲ دسته دادگاه های محلی و دادگاه های عالی اجتماعی تقسیم گشته و صلاحیت رسیدگی به تمام امور مربوط به تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری و بازنشستگی به لحاظ نقض عضو و معلولیت ناشی از جنگ را دارا می باشند.

علاوه بر دادگاه های فوق، در بیشتر ایالات آلمان (آلمان دارای ۱۶ ایالت می باشد) دادگاه ویژه ای تحت عنوان دادگاه عالی قانون اساسی ایالتی وجود دارد که به مسائل مربوط به قانون اساسی در ایالت مزبور، رسیدگی می نماید و از نظر تشکیلاتی همانند دادگاه های

دعاوی است.

## ۲- محاکم فدرال

در سطح فدرال نیز دادگاهها تقریباً به همان صورتی هستند که در سطح ایالات می باشند،

اما به طور کلی آنها را به ۲ بخش می توان تقسیم نمود یکی دادگاههای قانون اساسی

فدرال و دیگری دادگاههای فدرال است که شامل ۵ دادگاه می باشد.

### الف ( دادگاه قانون اساسی فدرال

این دادگاه، عالی ترین مرجع رسیدگی قضایی در آلمان است و حافظ و نگهبان قانون

اساسی کشور آلمان محسوب می شود و صلاحیت آن، رسیدگی به اختلافات بین دولت

فدرال و ایالات یا اختلافات ایالات با یکدیگر می باشد. همچنین تفسیر قانون اساسی،

اظهارنظر در خصوص تطبیق قوانین فدرال با قانون اساسی یا قوانین ایالات و اصولاً

هرگونه اختلافی در خصوص حقوق و وظایف دولت فدرال و ایالات به ویژه در مورد

اجرای قوانین فدرال در ایالات و یا نسبت به اعمال حق نظارت از طرف دولت فدرال به

عهده آن دادگاه است. به علاوه، این دادگاه یگانه مرجعی است که می تواند نسبت به

انحلال یکی از احزاب که علیه قانون اساسی، استقلال و حکومت جمهوری فدرال فعالیت

کرده باشد، اقدام لازم به عمل آورد و افزون بر آن هریک از شهروندان می توانند در

مواردی که نسبت به رای صادره از طرف محاکم پایین تر در رابطه نقض حقوق

اساسی شان توسط دستگاه‌های اداری شاکی باشند، به این دادگاه مراجعه و تقاضای رسیدگی مجدد نمایند.

دادگاه قانون اساسی دارای ۲ شعبه و هریک دارای ۸ قاضی است و اعضای آن توسط مجلس ملی فدرال (بوندستاگ) و مجلس ایالات (بوندسرات) انتخاب می‌شوند. مدت خدمت آنها ۱۲ سال و غیر قابل تجدید می‌باشد.

## ب) دادگاه های فدرال

دادگاه‌های فدرال آلمان عبارتند از:

### ۱- دادگاه عالی فدرال

مقر آن در کار لسروهه است و عالی‌ترین مرجع پژوهش آرای صادره از محاکم عالی به شمار می‌آید. همچنین این دادگاه، دارای صلاحیت اصلی برای رسیدگی به موارد کشتار جمعی، خیانت و آن دسته از جرایم سیاسی که موجب به خطر افتادن امنیت کشور است. می‌باشد. دادگاه عالی فدرال دارای ۱۴ شعبه است که ۹ شعبه آن به امور مدنی و ۵ شعبه به امور کیفری اختصاص دارد.

### ۲- دیوان عالی اداری فدرال

این دادگاه که محل آن در برلین است، بالاترین مرجع استیناف آرای تمام محاکم اداری منطقه‌ای است.

### ۳- دادگاه عالی مالی فدرال

این دادگاه که محل آن در مونیخ است، مرجع استیناف آرای محاکم مالی منطقه‌ای محسوب می‌شود و صلاحیت آن مربوط به مالیات، عوارض گمرکی و مانند آنهاست.

### ۴- دادگاه عالی کار فدرال

در شهر کاسل واقع شده است و مرجع پژوهش دادگاه‌های کار منطقه است.

### ۵- دادگاه عالی اجتماعی فدرال

در شهر کاسل واقع شده است و مرجع استیناف دعاوی بیمه‌های اجتماعی است. به طور

کلی باید گفت: سیستم تجدیدنظر در آلمان پیچیده است و قانون، امکانات متعددی را برای تجدیدنظر در آرا پیش بینی کرده است.

### دیگر دادگاه‌های فدرال

براساس ماده ۹۶ قانون اساسی آلمان، دولت فدرال قادر است علاوه بر ۵ دادگاه قبلی.

محاکم زیر را نیز برحسب مورد و شرایط ایجاد نماید:

الف) دادگاه فدرال در خصوص مقررات مربوط به مالکیت صنعتی

ب) دادگاه فدرال کیفری نظامی

ج) دادگاه‌های عالی پژوهش در رابطه با موارد بندهای (الف و ب)

کلیات

اقتدار قضایی به عنوان سومین قوه حکومتی در آلمان، در قانون اساسی تضمین شده است.

اصل ۹۲ قانون اساسی اعلان می‌دارد که قدرت قضایی به قضاوت تفویض شده است که

فقط به وسیله دادگاه قانون اساسی فدرال، دادگاه‌های فدرال و دادگاه‌های ایالات اعمال

می‌شود. این امر به عنوان « امتیاز انحصاری قضاوت » شناخته شده است. تفکیک انواع

دادگاه‌ها را باید ثمره ماهیت فدرالی کشور، تحولات تاریخی و تدوین قواعد حقوقی در

آلمان دانست.

از این گذشته، اقتدار قضایی از انواع مختلفی از صلاحیت‌های مستقل تشکیل شده است.

به طور کلی، احقاق حق افراد به ۵ صلاحیت تفویض گردیده که در بند اول اصل ۹۵

قانون اساسی احصا شده و عبارتند از: «صلاحیت عام»، «صلاحیت دادگاه‌های کار»، «

صلاحیت اداری»، «صلاحیت دادگاه‌های اجتماعی» و «صلاحیت دادگاه‌های مالیاتی». در

راس هر یک از این صلاحیت‌ها، یک دادگاه فدرال به عنوان عالی‌ترین دادگاه فدراسیون

و آخرین مرجع تصمیم‌گیری قرار دارد که وظایف اصلی هر یک از آنها این است که به



عنوان محاکمه تجدیدنظر نهایی برای دادگاه‌های ایالات عمل کنند و همچنین ارائه تفسیر واحدی از قوانین و بسط آنها را تضمین نمایند. علاوه بر تفکیک عرضی ۵ صلاحیت موجود. یک سلسله مراتب طولی نیز بین محاکم وجود دارد. اصولاً، جریان رسیدگی قضایی از دادگاه‌های نخستین آغاز می‌شود و ممکن است دعوی برای تجدیدنظر، اعم از ماهوی و یا شکلی، به دادگاه‌های بالاتر نیز کشیده شود. هر ایالتی به طور مجزا ساختار دادگاه‌های خود را براساس مدل عمومی، توصیف شده در قانون اساسی، طرح ریزی کرده است. بنابراین، هریالتی مسئول اجرای عدالت. رسیدگی به صلاحیت و آیین دادرسی خویش است.

علاوه بر این، صلاحیت کاملاً تخصصی قانون اساسی نیز وجود دارد که در آلمان به وسیله دادگاه قانون اساسی فدرال در کارلسروهه و دیگر دادگاه‌های قانون اساسی ایالات مختلف اعمال می‌گردد. صلاحیت قانون اساسی، در سطح ملی، در قوانین آیین‌های دادرسی اختصاصی مانند «قانون دادگاه اساسی فدرال» و در سطح ایالات مربوط، در دیگر قوانین مشابه پیش بینی شده است.

با این وجود، یک دیوان عالی کاملاً فراگیر. مشابه دیوان عالی کشور ایالات متحده آمریکا و یا دیوان عالی سوئیس، اصلاً وجود ندارد.

علاوه بر این دادگاه‌های فدرال، که در راس سلسله مراتب هر یک از ۵ صلاحیت موجود در آلمان قرار دارند، فدراسیون، محاکم فدرال دیگری را نیز پیش‌بینی کرده که فقط صلاحیت رسیدگی به امور خاصی را دارند؛ یعنی صلاحیت اختصاصی دارند (اصل ۹۶ قانون اساسی). این محاکم عبارتند از: «دادگاه‌های نظامی فدرال» که به امور انتظامی افراد نظامی رسیدگی به امور انتظامی مقامات فدرال، دادگاه انتظامی قضات، که به امور انتظامی قضات فدرال رسیدگی می‌کند و در نهایت «دادگاه اختراعات فدرال» که امور مربوط به اختراعات و ثبت آنها را بررسی می‌نماید.

همان طوری که در بالا هم اشاره شده، تخصصی شدن، ویژگی خاص نظام دادگاه‌های آلمان است. مزیت تقسیم محاکم به عرضه‌های مختلف حقوقی این است که قضات، تجربه و دانش تخصصی لازم را در آن زمینه داشته باشند تا بتوانند کیفیت بهتری از تحقق عدالت و احقاق حق افراد را فراهم آورند. صرف نظر از این عامل مثبت، یک ایراد نیز بر تخصصی شدن محاکم است و آن هم مشکل انتخاب شعبه یا صلاحیت صحیح، در مورد

پرونده‌هایی است که موضوع آنها با صلاحیت ۲ یا چند سلسله از دادگاه‌ها تداخل دارد. هرم این دادگاه‌های عمومی با دادگاه‌های بخش در قاعده هرم آغاز می‌شود. در ادامه، دادگاه‌های منطقه‌ای و در راس هرم نیز آخرین مرجع تصمیم‌گیری؛ یعنی دادگاه عالی فدرال، قرار دارد که در کارلسروهه واقع شده است.

دادگاه عالی فدرال، به عنوان عالی ترین دادگاه فدرال، صلاحیت رسیدگی برای سرتاسر جمهوری فدرال آلمان را دارد. دادگاه‌های عالی منطقه‌ای، محاکمی ایالتی محسوب می‌شوند و به عنوان دادگاه‌هایی منطقه‌ای در ایالات صلاحیت رسیدگی دارند. هر ایالتی، حداقل یک دادگاه عالی منطقه‌ای دارد.

علاوه بر دادگاه‌های عمومی، که در بالا مورد اشاره قرار گرفت، دادگاه‌های دیگری نیز وجود دارند که به صلاحیت عام ملحق می‌شوند؛ از جمله دادگاه اختراعات فدرال مونیخ.

اگرچه این دادگاه در سلسله مراتب دادگاه‌های عمومی قرار ندارد ولی از نقطه نظر سیستمی به شعبه صلاحیت عام متعلق می‌باشد. «قانون اختراعات»، سازمان، اختیارات و آیین رسیدگی این دادگاه را معین کرده است. دادگاه اختراعات فدرال به پرونده‌های مربوط به ثبت اختراع و صدور یا لغو پروانه رسیدگی می‌کند. حکم این دادگاه ممکن است توسط دادگاه عالی فدرال مورد تجدیدنظر شکلی قرار گیرد. علاوه بر این، شماری

از محاکم تخصصی نیز وجود دارند که صلاحیت رسیدگی به دعاوی مربوط به خدمات عمومی را دارند. این محاکم صنفی، مشخصاً با مسائل مربوط به کارمندان دولت و نیروهای نظامی و نیز امور خدماتی و انضباطی حرفه‌های حقوقی و دیگر مشاغل سروکار دارند. در نهایت این که محاکم داورى نیز برای حل و فصل دعاوی خصوصی، وجود دارند که به طور وسیعی در حقوق تجارت مورد استفاده قرار می‌گیرند. محاکم داورى

مشمول قانون آیین دادرسی مدنی و همچنین تجدیدنظر قضایی در مورد مطابقت آرای

آنها با قانون هستند (مواد ۱۰۲۷ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی).

## صلاحیت اداری

یکی دیگر از انواع صلاحیت‌ها، صلاحیت اداری است که به منظور حمایت شهروندان در

مقابل اقدامات نهادهای دولتی پیش‌بینی شده است. دادگاه‌های اداری به تمام دعاوی

حقوق عمومی، مشروط به این که توسط قوانین فدرال به سیستم صلاحیت اداری ویژه‌ای

اختصاص نیافته باشند، رسیدگی می‌کنند؛ زیرا ممکن است بعضی از دعاوی مربوط به

حقوق عمومی به دادگاه‌های اجتماعی یا مالیاتی واگذار شده باشند. ساختار، اختیارات و

قواعد رسیدگی دادگاه‌های اداری در قانون قواعد رسیدگی دادگاه‌های اداری تبیین شده

که نظام این محاکم را در ۳ سطح سازماندهی کرده است. تصمیم‌های قضایی در مرحله

بدوی توسط دادگاه‌های اداری اتخاذ می‌شوند. دادگاه‌های بالاتر در مرحله دوم،

دادگاه‌های عالی اداری هستند و آخرین مرجع تصمیم‌گیری نیز دادگاه‌های عالی اداری

فدرال است که بنا بر دلایل تاریخی در شهرهای برلین و مونیخ تشکیل جلسه می‌دهد. ولی

این دادگاه به زودی در یکی از شهرهای آلمان شرقی سابق، لایپسیک، نیز تشکیل خواهد

شد و این شهر که متعلق به ایالت زاکسن است، دوباره جایگاه خود را از مؤسسات

حقوقی. به عنوان یکی از شهرهای برجسته آلمان به دست خواهد آورد.

دادگاه مرحله دوم و نهایی نیز «دادگاه مالی فدرال» است که در شهر مونیخ قرار دارد. کار

اصلی این دادگاه‌ها در مورد امور مالیاتی است؛ به عنوان مثال، دادگاه‌های مالیاتی باید به

قانونی بودن تقاضای مالیاتی و یا مجموعه مالیات‌هایی که بر اساس قواعد اتحادیه اروپا برای واردات بعضی کالاهای خاص وضع شده، رسیدگی نمایند. روند رسیدگی دادگاه‌های مالیاتی شباهت نزدیکی به عملکرد دادگاه‌های اداری (که در بالا اشاره شد) دارد. اصحاب دعوا می‌توانند شخصاً خود، اقامه دعوا کنند و یا این که شخص ثالثی، به نمایندگی از آنها، به عنوان حسابدار، ممیز و یا وکیل، طرح دعوا نماید. نمایندگی توسط مشاور حقوقی و یا هر دستیار حرفه‌ای دیگری - مثل حسابدار و یا ارزیاب مالیاتی - در محاکم مالی ضروری نیست. اما دوباره در دادگاه مالی فدرال، طرف دعوا باید یک دستیار حرفه‌ای؛ یعنی یک مشاور عالی یا حقوقی، داشته باشد.

### صلاحیت در مورد مسائل قانون اساسی

صلاحیت رسیدگی به مسائل قانون اساسی در سطح ایالت و فدرال از جایگاه ویژه‌ای در سیستم دادگاه‌های آلمان برخوردار است. هرایالتی در آلمان یک «دادگاه قانون اساسی ایالت» دارد که در بعضی ایالات «دیوان ایالت» نیز نامیده می‌شود. این محاکم قانون اساسی به دعاوی‌ای رسیدگی می‌کنند که مبنای قانونی آنها در قانون اساسی ایالت مربوط است.

صلاحیت رسیدگی به مسائل قانون اساسی در سطح فدرال به وسیله «دادگاه قانون اساسی فدرال» که در کارلسروهه قرار دارد، اعمال می‌شود. این دادگاه - که در سال ۱۹۵۱

تاسیس شده- از اهمیت والایی در نظام حقوقی، آلمان برخوردار است. دادگاه قانون اساسی فدرال، عالی ترین دادگاه و یکی از قابل احترام ترین و قدرتمندترین نهادهای جمهوری فدرال آلمان است.

### صلاحیت و ساختار دادگاه های مدنی

آیین دادرسی مدنی، به عنوان یک نهاد عمومی، دعاوی بین اشخاص خصوصی را تنظیم می کند. این تاسیس، به وسیله دادگاه های ایالات اعمال می شود. لذا آیین دادرسی مدنی را می توان به عنوان اقداماتی قاعده مند و سازمان یافته در سطح ملی و به وسیله دادگاه های مدنی تعریف کرد که هدف آن اجرای حقوق خصوصی افراد است.

رسیدگی مدنی براساس « قانون آیین دادرسی مدنی » صورت می گیرد که این قانون را می توان به دو بخش تقسیم نمود. آیین دادرسی مدنی با « رسیدگی ترافیعی » که منتهی به صدور حکم می گردد، آغاز می شود. این شیوه در واقع رسیدگی قضایی به حقوق مورد ادعا و شکایات مطروحه در دعاوی حقوقی است. مقررات مربوط. از زمان طرح دعاوی حقوقی تا صدور یک حکم الزام آور قانونی، در کتاب اول تا هفتم آیین دادرسی مدنی پیش بینی شده است. بخش دوم از روند رسیدگی مدنی، « مرحله اجرای حکم است » که حقوق و ادعاهای قطعی شده در حکم قضایی را اجرا می کند. این مرحله از دادرسی،

عمدتاً در کتاب هشتم از قانون آیین دادرسی مدنی و - در مواردی که به حراج اجباری و مستغلات یا توقیف قضایی اموال خوانده می انجامد - « قانون حراج اجباری و توقیف اموال غیرمنقول»، به عنوان بخشی از قانون آیین دادرسی مدنی ( ماده ۸۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی) پیش بینی شده است.

دادگاه‌های منطقه‌ای هر ایالت به یک دادگاه عالی منطقه‌ای ملحق می شوند. هیات قضات آنها شعب هستند که هر کدام از دو قاضی مستشار و یک قاضی رئیس تشکیل شده‌اند ( ماده ۷۵ قانون قوه قضائیه). علاوه بر این، هر دادگاه منطقه‌ای دارای « شعب بازرگانی» نیز می باشد که فقط صلاحیت رسیدگی به دعاوی تجاری را دارند (ماده ۹۳ قانون قوه قضائیه). این شعب. مرکب از یک قاضی رئیس (قاضی حرفه‌ای) و دو قاضی مردمی هستند. این قضات مردمی، ممکن است از اعضای هیات مدیره یک شرکت و یا از تجار باشند. آنها توسط شعب صنعت و بازرگانی برای دوره‌ای ۳ ساله منصوب می شوند. دادگاه‌های بخش در زیر دادگاه‌های منطقه‌ای مربوط قرار می گیرند که فقط متشکل از قضات واحد هستند (بند اول ماده ۲۲ قانون قوه قضائیه).



## صلاحیت

هر دادگاه باید به اعتبار سمت و مقام خود بررسی کند که آیا برای رسیدگی به پرونده

تسلیم شده به او صالح است یا خیر. دادگاهی که فاقد صلاحیت است، می تواند براساس

تقاضای خواهان، پرونده را به دادگاه صالح انتقال دهد (بند اول ماده ۲۸۱ قانون آیین

دادرسی مدنی) و در غیراینصورت، دعوا غیرمسموع خواهد بود. صلاحیت دادگاههای

مدنی، عمدتاً در قانون آیین دادرسی مدنی و قانون قوه قضائیه تعیین شده است. قانون انواع

مختلفی از صلاحیت را پیشبین کرده است؛ به عنوان مثال، «صلاحیت بین المللی» نیز

وجود دارد که صلاحیت دادگاههای آلمان را برای رسیدگی به پروندههایی که شامل

مسائل خارجی هستند، تنظیم می کند. مقررات ویژه ای نیز در معاهدات بین المللی دوجانبه

یا کنوانسیونها وجود دارند، مانند «کنوانسیون اروپایی صلاحیت و اجرای احکام مدنی و

کیفری». قواعد داخلی آلمان نیز مکمل این معاهدات و کنوانسیونها هستند. در موارد باقی

مانده، صلاحیت بین المللی دادگاههای آلمان به وسیله قواعد صلاحیت محلی اداره

می شود که در موارد ۱۲ به بعد، همچنین ماده ۶۰۶- الف و بنده دوم ماده ۶۴۰- الف

قانون آیین دادرسی مدنی، به عنوان قواعدی برای بعضی پروندههای خاص مطرح شده اند.

مستاجر و دعاوی مربوط به ازدواج، نسب و نفقه به دادگاه‌های بخش، به عنوان دادگاه‌های نخستین مربوط می‌شوند (مواد ۲۳ و ۲۳-ب قانون قوه قضائیه). احکام دادگاه‌های بخش، توسط دادگاه‌های منطقه‌ای مورد تجدیدنظر قرار می‌گیرند (ماده ۷۲ قانون قوه قضائیه).

امکان توسل به دادگاه یا مرجع بالاتری علیه احکام تجدیدنظر شده توسط دادگاه‌های منطقه‌ای وجود ندارد. اما در خصوص پرونده‌های والدین و فرزندان و یا دعاوی مربوط به حقوق خانواده. مقررات ویژه‌ای اعمال می‌شود. تجدیدنظر علیه احکام دادگاه‌های بخش در این مورد. توسط دادگاه منطقه‌ای صورت نمی‌گیرد؛ بلکه به وسیله دادگاه عالی منطقه‌ای انجام می‌شود؛ یعنی در جایی که هیأت ویژه‌ای از قضات - که سنای خانواده نامیده می‌شوند - ریاست آن را برعهده دارد (بند اول و دوم ماده ۱۱۹ قانون قوه قضائیه).

سپس، احکام دادگاه‌های عالی منطقه‌ای ممکن است توسط دادگاه عالی فدرال، به عنوان آخرین مرجع رسیدگی، مورد فرجام خواهی قرار گیرند (ماده ۱۳۳ قانون قوه قضائیه).

دادگاه‌های منطقه‌ای می‌توانند هم به عنوان دادگاه نخستین و هم تجدیدنظر عمل کنند. به عنوان یک قاعده. این دادگاه‌ها - از جمله شعب بازرگانی - به تمام دعاوی‌ای که به دادگاه‌های بخش واگذار نشده‌اند، در مرحله بدوی رسیدگی می‌کنند (بند اول ماده ۷۱ قانون قوه قضائیه). بنابراین دادگاه‌های منطقه‌ای برای رسیدگی به دعاوی مالی با ارزش بیش از ۱۰ هزار مارک آلمان، دعاوی غیرمالی، دعاوی علیه مقامات مالیاتی براساس «

قانون خدمات دولتی» و نیز دعاوی ای که شامل هر گونه نقض وظایف قانونی است، صالح هستند (بند دوم ماده ۷۱ قانون قوه قضائیه).

شعبه بازرگانی، به تمام دعاوی مربوط به فعالیت‌های تجاری رسیدگی می‌کند؛ مثل دعاوی مرتبط با حقوق شرکتها، دعاوی مربوط به رقابت، بورس سهام و اوراق بهادار، اسناد تجاری یا علایم تجاری.

تجدیدنظر علیه احکام دادگاه‌های منطقه‌ای به عهده دادگاه عالی منطقه‌ای است (بند اول ماده ۱۱۹ قانون قوه قضائیه)؛ زمانی که در دعاوی مالی، ارزش موضوع دعوا فراتر از ۶۰

هزار مارک آلمان است و یا در دعاوی غیرمالی ای که دادگاه‌های عالی منطقه‌ای با توجه به اهمیت اساسی پرونده مجوز تجدیدنظر صادر می‌کنند.

**منبع :**

روزنامه ماوی

مختصری از نظام قضایی اتریش

در نظام قضایی اتریش، ۳ سطح مختلف از دادگاه‌ها وجود دارد که عبارتند از: دادگاه بخش، استان و دیوان عالی کشور. دادگاه بخش به دعاوی مختصر و سبک، دزدی‌های کوچک، آسیب‌دیدگی‌های کم، توهین و... رسیدگی می‌کند. به مسائل حساس‌تر همانند خیانت سیاسی، اختلاس‌های سنگین و در واقع بیشتر دعاوی جنایی، دادگاه استان

رسیدگی می کند که متشکل از ۲ قاضی و هیأت منصفه است و برای دعاوی مرتبط به قتل نیز دادگاه با ۳ قاضی و هیأت منصفه ۸ نفره تشکیل می شود.

دیوان عالی کشور نیز فقط در مورد صحت احکام دادگاه های بخش و استان و عنداللزوم ابطال آنها رسیدگی و تصمیم گیری می کند و مرکب از ۵ قاضی است.

#### جایگاه دادستان

در دادگاه های منطقه ای به جای دادستان، شخصی غیر حقوقی ولی تحت نظارت دادستانی حضور دارد. در دادگاه های ایالتی، دادستان انجام وظیفه می کند و در دیوان عالی کشور،

دادستان کل انجام وظیفه می نماید. کار دادستان کل این است که در تمام محاکمات دیوان عالی کشور شرکت کند. دادستان کل، چنانچه متوجه رأی برخلاف قانون و به ضرر متهم شود، به منظور رعایت حقوق بشر می تواند کل دادرسی را باطل اعلام کند.

دادستان می تواند در تمام مراحل بویژه در زمینه نقض قانون مداخله کند. اگر دادستان

نسبت به مدارک موجود در پرونده و... شک کند، می تواند اعمال نظر نماید و

تصمیم گیری نیز به عهده دیوان عالی کشور است. اثر همکاری دادستان کل کشور و

دیوان عالی کشور این است که قانون به طور صحیح اجرا می شود. در سال ۶۰۰ الی ۸۰۰

درخواست تجدیدنظر به دیوان می آید که یا از طرف متهم و وکیل او و یا از طرف

دادستان است. دیوان عالی کشور ۵۷ قاضی دارد که ۷ نفر آنها زن هستند و ۲ نفرشان در

قلمرو جزایی فعالیت دارند. ۶۰ درصد قضات اتریش زن هستند و از ۷۶ درصد قضات

اتریش زن هستند و از ۷۶ قاضی دادگاه ایالتی نیز ۲۵ نفر زن می باشند. دیوان عالی کشور

دارای ۱۶ شعبه است که ۵ شعبه به امور جزایی و ۱۱ شعبه به امور مدنی رسیدگی می کند.

در کل اتریش یک هزار و ۷۰۰ قاضی و ۳۰۰ دادستان وجود دارد.